



نشریه علمی علم و تمدن در اسلام

سال دوم (دوره جدید) / شماره هشتم / تابستان ۱۴۰۰



20.1001.1.26764830.1400.2.8.4.9

بررسی کتابشناسانه آثار تئودور نولدکه در زمینه شرق شناسی تمدن اسلامی (۱۸۳۶-۱۹۳۰ م)

عبدالرفیع رحیمی^۱ / فوزیه جوانمردی^۲

(۹۰-۱۱۱)

چکیده

از قرن نوزدهم با شروع تحقیقات شرق‌شناسی اسلامی در سرزمین‌های آلمانی زبان (آلمان، بلژیک، اتریش، لوکزامبورگ، سوئیس)، شاهد جایگاه حاشیه‌ای آن در زندگی فکری محققان این ناحیه هستیم. وجود تعابیر عامیانه، بر جدی نبودن و حالت تفننی داشتن مطالعات شرق‌شناسانه در آلمان دلالت دارد. با وجود این، سرزمین ژرمن محققان بزرگی در زمینه مذکور در دامان خود پرورش داد که از جمله این شرق‌شناسان تمدن اسلام می‌توان تئودور نولدکه، خاورشناس برجسته و متخصص تاریخ و تمدن اسلام را نام برد. پژوهش حاضر بر آن است تا با به‌کارگیری روش توصیفی - تحلیلی به بررسی افکار و انگیزه‌های این شرق‌شناس معروف آلمانی بپردازد. با واکاوی منابع مختلف می‌توان گفت، بهره‌مندی نولدکه از علوم مختلف، هم‌چون، آگاهی از علوم مربوط به خاورشناسی، پرداختن و توجه به رشته‌های تاریخ و تمدن اسلامی، تسلط بر زبان‌های سامی، حقیقت‌جویی، نگاه لغت‌شناسانه و دقت و بصیرت در تمام آثار برجای مانده از وی از جمله دستاوردهای این پژوهش نسبت به شخصیت علمی این مستشرق به شمار می‌رود.

واژه‌های کلیدی: خاورشناسی، نولدکه، تمدن اسلام، ایران، آلمان، علم.

۱. دانشیار گروه تاریخ دانشگاه بین‌المللی امام خمینی (ره) قزوین، قزوین، ایران. (نویسنده مسئول) aghabeigom@yahoo.com

۲. دانشجوی دکتری تاریخ ایران بعد از اسلام دانشگاه بین‌المللی امام خمینی (ره) قزوین، قزوین، ایران.

fouziehjavanmardi@yahoo.com

مقدمه

در سده‌ی ۶ ق. برابر با ۱۲ م. بیشتر اعضای کلیسا، مردم مغرب‌زمین را به جنگ صلیبی بر ضد مسلمانان فرامی‌خواندند، اما پطرس مکرم^۱ تأکید می‌کرد که برای غلبه بر مسلمانان فعالیت‌های تبلیغی بیش از جنگ می‌تواند مؤثر باشد، مشروط بر آنکه مبلغان نخست اسلام را بشناسند و این آغازی بر شرق‌شناسی و اسلام‌شناسی شد. وی دستور داد قرآن ترجمه شود؛ عملی که تا این زمان بی‌سابقه بود و اقدام بسیار مهمی به‌شمار می‌آمد؛ زیرا برای نخستین بار بود که منبع اصلی شناخت اسلام در دسترس غربی‌ها قرار می‌گرفت تا بر اساس آن به پژوهش درباره‌ی سرزمین‌های شرقی دست بزنند. در این میان مستشرقان زیادی دست به شرق‌شناسی زدند که تئودور نولدکه‌ی آلمانی در زمره‌ی این افراد بود. وی تحصیلاتش را در رشته الهیات و فلسفه و کلیه زبان‌های سامی تا مقطع دکتری به پایان رساند و در پایان‌نامه خود با عنوان تاریخ قرآن در دو بخش، به تاریخ ادبی قرآن، با استفاده از منابع اسلامی و تحقیقات خاورشناسان اروپایی پرداخت و موجب پدید آمدن آثاری شد که هم از لحاظ کمی و هم از حیث کیفی فراوان و قابل تقدیر است.

مسئله‌ی پژوهش حاضر آن است که آثار مهم خاورشناسانه می‌تنی بر دین اسلام نولدکه چه می‌باشد و در مطالعات شرقی خود چه نیات و انگیزه‌هایی داشت؟ برداشت‌هایی که افراد مختلف از این محقق داشتند، نشان دهنده اهمیت آثار نولدکه است. از جمله ادوارد گرانویل براون^۲؛ خاورشناس بریتانیایی قرن ۱۹ و ۲۰ م. می‌گوید: «بی‌شک بعضی از خاورشناسان در تحقیقات خود فقط در جستجوی حقیقت علمی و ادبی و تاریخی بوده و خواسته‌اند به جهان دانش و ادب خدمت کنند و کوشش‌های ملل دیگر را در نشر معارف بشر و تمدن جهانی به جامعه‌ی خود و جهانیان بشناسانند و احترام و قدرشناسی جوامع را نسبت به ملت‌های مترقی و متمدن باسابقه‌ی دیرین و کهن، جلب نمایند و برانگیزند». (براون، ۱۳۶۹: ۳-۴) وی نولدکه را در ردیف این گروه از مستشرقین قرار داد و افرادی نظیر نولدکه را به دور از غرض‌ورزی‌های استعمارگران و سیاست‌مداران و بازرگانان می‌دانست و آن‌ها را افرادی صرفاً طالب حقیقت معرفی می‌کند. رژی بلاشر^۳ خاورشناس بزرگ فرانسوی از شاگردان برجسته‌ی نولدکه بود، درباره‌ی استادش می‌گوید: «کار

1. Peter Makram

2. Edward Granville Browne

3. Régis Blachère

شگرف تاریخ قرآن را مدیون نولدکه و مکتبش هستیم». (بلاشر، ۱۳۷۲: ۲۸) نولدکه با طبقه‌بندی خاص خود، نکاتی را به‌صورت اطمینان‌بخش روشن ساخته و در ارتباط با سیر تاریخی نزول قرآن، انتظار خواننده‌ی غربی را به درک معانی آن برآورده می‌کند. در واقع «بدون دسترسی به طبقه‌بندی نولدکه آشنایی با قرآن به آسانی ممکن نبود زیرا ناهماهنگی اسلوب کتاب سبب گمراهی می‌گردید». (همان: ۵۲) استیفان فیلد نیز درباره‌ی تاریخ قرآن نولدکه می‌گوید: «هر شرق‌شناسی که بخواهد به پژوهش‌های شرقی بپردازد باید کتاب نولدکه را بخواند» و اعتراف می‌کند که در فهم فرهنگ و تمدن اسلام، این نسل همواره بر پژوهش‌های نسل پیشین خود تکیه می‌کنند، این واقعیتی است که خود شرق‌شناسان نیز به آن اعتراف کرده‌اند. (الدسوقی، ۱۳۷۶: ۱۰۸)

قریب هفتادوپنج سال پس از زمانی که نخستین چاپ تاریخ قرآن نولدکه در سال ۱۸۶۰ م. انتشار یافت دانشمند ایرانی ابوعبدالله زنجانی در بخش‌های پایانی کتابش به اثر بازنگری شده‌ی تاریخ قرآن اشاره کرد. زنجانی، نولدکه را دانشمندی بزرگ خوانده و تاریخ قرآن او را کتابی با ارزش دانسته و حتی چکیده‌ای از مباحث وی در باب ترتیب نزول سوره قرآن را در کتاب خود آورده است. (زنجانی، بی‌تا: ۱۷۶) در دیدگاه معاصرینی چون گنورگ اشتاوت، اسلام‌شناس آلمانی، نولدکه ابتدا از اسلام متنفر بود و این گلدزبهر بود که با نامه‌هایی که برای وی نوشت از اصالت علمی که در تفسیر قرآن و حدیث وجود داشته، دفاع کرد و او را به بررسی اسلام تشویق کرد. طی همین نامه‌ها بود که نولدکه هم به اهمیت اصالت این متن و سایر متون اسلامی پی برد. (نگارنده: ۱۳۷۶/۱۰/۹۴) اسدالله مبشری نیز در مقدمه‌ی ترجمه کتاب درآمدی بر قرآن بلاشر چنین آورده است: «مستشرقانی چون نولدکه و شاگردانش به دنبال آن بودند که اهمیت قرآن را نشان بدهند و این‌که اندیشه‌ها و مطالب درباره‌ی مؤسس اسلام و قرآن که پیش از این در اذهان مردم اروپا جای گرفته واقعیت ندارد و با دید اسلام منطبق نیست بلکه پیوسته تصویری که هرگز با واقعیت انطباق نداشته را در ذهن داشتند». (ر.ک به مقدمه درآمدی بر قرآن)

اما ادوارد سعید نولدکه را از دوست‌داران تمدن و فرهنگ یونانی می‌دانست که علاقه‌ی خود به یونان را از طریق اظهار عدم علاقه‌ی آشکار به شرق، ابراز می‌کرد، درحالی‌که شرق بالاخره جایی بود که موضوع مطالعه و تحقیق وی را تشکیل می‌داد (سعید، ۱۳۷۷: ۳۷۵). وی درجایی دیگر می‌گوید: «که حاصل جمع همه‌ی کارها و فعالیت‌های او در مورد شرق تأکید و تأییدی مجدد بر

این نظریه بود که مردم مشرق زمین افراد پست و پایینی هستند» (همان: ۳۰۷). با توجه به نظریات مختلف و در بررسی آثار موجود از تنودور نولدکه، اگرچه وی به راستی مبدع سبک‌های جدیدی برای شرق‌شناسی شد که چندان مطلوب مسلمانان نبود، ولی نباید از نظر دور داشت که وی تشنه‌ی حقیقت‌جویی و پرورش‌یافته‌ی مکتب کشوری بود که مستشرقان آن چندان به جنبه‌ی استعماری شرق توجه نمی‌کردند و بیشتر به دنبال جنبه‌ی علمی تحقیقات خود بودند. حتی در موارد زیادی نولدکه افرادی چون لامنس را به دلیل استفاده از منابع مجعول و سست سرزنش می‌کند. به طور کلی طبق دیدگاه‌های مختلف در مورد وی، بیش‌ترین تأیید را از سوی جامعه‌ی غربی داشته است. اما به اذعان افرادی نظیر سعید نیز، نولدکه شرق را در رده پایینی می‌دانست. حتی اگر بی‌طرفی کامل وی را بپذیریم چنانکه مورد تمجید افرادی چون زرین‌کوب، زنجانی، دهخدا و... قرار گرفته است ولی نباید از نظر دور داشت که در موارد معدودی نیز در آثار وی برمی‌خوریم که قبول آن‌ها را با مشکل روبه‌رو می‌کند چنانکه، در برخی موارد به نتیجه‌هایی می‌رسد و مسائلی را مطرح می‌کند که در واقع برداشت خود وی است و پایه‌ی علمی چندان‌ی به دنبال ندارد.

در پژوهش‌های پیشین صرفاً به تاریخ قرآن تنودور نولدکه پرداخته شده و نقدهایی هم که بر او شده بر اساس همین اثر وی است و لذا سایر آثار و تفکرات وی مغفول ماند. در این پژوهش سعی بر آن شده با بررسی زمینه‌های فکری، اجتماعی دوره محقق و نیز مطالعه مستقیم برخی از آثار نولدکه، به تحلیلی همه‌جانبه درباره وی دست پیدا کنیم. از جمله‌ی این آثار می‌توان به شرق‌شناسی و اسلام‌شناسی غربیان از محمد حسن زمانی، مستشرقان و تاریخ‌گذاری قرآن اثر محمدجواد اسکندرلو که تنها به جنبه انتقادی وی پرداخته است. تاریخ قرآن، تألیف محمود رامیار اثری جامع که به بررسی همه‌ی مؤلفان قرآن شناس از جمله نولدکه پرداخته است. به‌طور کلی می‌توان گفت حتی آثاری چون اس‌ترنر^۱ و ادوارد سعید هم بیشتر تمرکزشان روی شرق‌شناسی بود و نه فرد خاصی، لذا رسالات نگاشته شده‌ای که شاخص‌ترین آن‌ها مربوط به تقی صادقی است، فهرستی از مقالات فارسی مرتبط با نولدکه نیز موجود می‌باشد؛ از جمله احمد سعدی و صفر نصیریان، بررسی دیدگاه نولدکه درباره نبوت و وحی، سید محمد باقر حجتی، سید عقیل نسیمی، بررسی و نقد برخی دیدگاه‌های نولدکه درباره جمع قرآن، بررسی دیدگاه‌های نولدکه در مورد رسم الخط و

قرائت قرآن، به طور کلی مقالات و کتب بسیاری نیز به زبانهای مختلف چون انگلیسی و آلمانی و.. نوشته شده است، اما به نولدکه، به عنوان بخش کوچکی اشاره کرده اند و به طور کلی پژوهشی جامع در این زمینه یافت نمی شود.

بررسی مفهوم شرق شناسی

در دیدگاه کلی، شرق شناسی به رشته ای گفته می شود که درباره ی کشورهای شرقی گفتگو و قضاوت کرده و واقعیت های آن را بررسی و تفسیر می کند. شرق شناس نیز به کسی اطلاق می شود که مطالعات وی به نحوی با مشرق زمین نسبت پیدا کند. ادوارد سعید خاورشناسی را نوعی سبک فکری می دانست که بر مبنای یک تمایز بودشناختی و معرفت شناختی میان «شرق» و غالب موارد «غرب» قرار دارد. (ادوارد سعید، ۱۳۷۷: ۱۵) در بررسی معنای لغوی «استشراق» و معادل انگلیسی آن «Orientalism» است؛ این واژه به عقاید یا سیاست شرقی و رشته ای که به قول دهخدا بحث از زبان و علم و ادب ملل خاور می کند (دهخدا: ۸۳۲۳: ۱۳۷۳) اشاره دارد.

فرهنگ وبستر «oriental» را مشرق زمین، آسیا، یا خاور و ناحیه ای که به جغرافیای طبیعی وابسته است (Guralnikmm, 1986: 1002) و «Orientalism» را نوع ویژگی های رفتاری و نیز مطالعه ی فرهنگ مردم مشرق زمین (Ibid: 1003) می داند. فرهنگ آکسفورد نیز «Orientalism» را «خاورشناسی، زبان هنر و دیگر امور کشورهای شرقی» و نیز واژه ی «Oriental» را عبارت از کشورهای شرق دور، مانند ژاپن و چین می داند. (homby, 1989: 873) مفهومی که این تعریف از خاورشناسی ارائه می دهد آن قدر کلی است که به نظر می رسد شرق شناس باید به همه یا حداقل بخش عمده ای از جوامع شرقی احاطه داشته باشد تا بتوان او را شرق شناس نامید. المنجد نیز استشراق را «توجه و اهتمام غربی ها به میراث و تمدن و زبان شرق» و مستشرق را «ادیب غربی که به بررسی میراث و تمدن و زبان شرق اهتمام می ورزد» (المنجد، ۲۰۰۱: ۷۶۵) معنا کرده است. معلوف «عالم و آگاه به زبان ها و ادبیات و علوم شرقی» را مستشرق می نامند. (معلوف، ۱۳۹۰: ۳۸۴)

شرق شناسی در ابتدا مفهومی کلی بود، همان طور که ادوارد سعید هم تعریف عام تر آن را این گونه ارائه داده بود. در واقع شرق شناسی تمام جنبه ها و شئون شرق را در برمی گرفت و به مرور زمان به سوی تخصصی شدن پیش رفت. (امیرخانی فراهانی، ۱۳۹۳: ۱۹) به طوری که در فرآیند

تخصصی شدن آن به شاخه‌های متعددی از جمله: اسلام‌شناسی، ایران‌شناسی، هند شناسی، ترک شناسی، مصر شناسی، چین شناسی و تقسیم شد. (الویری، ۱۳۸۱: ۱۸) ترنر هم به پیروی از صورت‌بندی ادوارد سعید، شرق‌شناسی را نحوه‌ای از تفکری قلمداد می‌کرد که بر پایه‌ی نوعی معرفت‌شناسی و هستی‌شناسی خاص، تقسیم‌بندی آشکاری را بین شرق و غرب ایجاد می‌کند و شرق‌شناسی را این‌گونه تعریف می‌کند: «گفتمانی برای تولید و تشکیل شرق و هم چون شکل خاصی از قدرت و معرفت استعماری». (اس ترنر، ۱۳۸۴: ۱۷۰)

طبق برخی از منابع واژه‌ی شرق‌شناس (Orientalist) برای اولین بار در سال ۱۷۶۶ م. در دایره‌المعارفی لاتین درباره‌ی «پدر بولینوس» استفاده شد. (اسماعیل احمد، ۱۹۹۲: ۲۹۲) اما به قولی دیگر به سال ۱۷۷۹ م. برمی‌گردد که در این سال برای اولین بار اصطلاح «Orientalism» از ماده‌ی شرق = Orient در فرهنگ انگلیسی آکسفورد به کار رفت و در سال ۱۸۳۸ م. همین واژه در فرهنگ علمی فرانسه درج شد. (رضوان، ۱۴۱۳: ۲۳)

اوضاع فکری آلمان در زمان نولدکه

بسیار واضح است که برای به دست آوردن تحلیلی صحیح از نولدکه، توجه به زمانه و خاستگاه فکری وی مهم خواهد بود، لذا در این جا به بررسی اوضاع فکری آلمان از قرون ۱۹ به بعد و حضور افراد شاخص این دوره در زمینه‌ی خاورشناسی که میزان تأثیرشان را در نولدکه می‌توان دید، پرداخته می‌شود. در قرن ۱۹ م. که غرب به دنبال به کرسی نشاندن اهداف فرهنگی خود بود، بیش از هر زمان دیگری متوسل به پدیده‌ی خاورشناسی شد، از جمله دایره‌المعارف اسلامی لیدن که حاصل تلاش ۹ نفر از مشاهیر مستشرق از جمله آلمانی‌ها بود (الیگودرزی، ۱۳۸۱: ۴۳-۴۵). در این زمان در دانشگاه‌های سرزمین‌های آلمانی‌زبان، معمول بود که مطالعات زبان‌شناسی در همه‌ی زبان‌های غیر اروپایی، یعنی آفریقایی و آسیایی را تحت عنوان مطالعات شرق طبقه‌بندی کنند و نمایندگان و محققان این زمینه‌ی تحقیقاتی، همگی خود را به‌نوعی شرق‌شناس می‌نامیدند. (برت. گ، بی‌تا، ۲۷)

آلمان اگرچه پس از فرانسه و انگلیس به خاورشناسی روی آورد، اما از آن جهت که همانند آن دو کشور فرصت استعمارگری نیافت و نیز پایگاه دینی مسیحیت محسوب نمی‌شد، از دو عامل مخرب فعالیت‌های خاورشناسی دور بود. به همین دلیل خاورشناسی آلمان را باید جامع‌ترین و

سالم‌ترین نوع خاورشناسی دانست. با این حال ویژگی دیگری در خاورشناسی آلمانی وجود دارد که در دو مدرسه‌ی فوق‌الذکر وجود نداشت و آن هم نفوذ فوق‌العاده‌ی یهودیان در مدارس مجارستان است. همین عنصر مشترک همه‌ی انواع خاورشناسی‌ها یعنی برتری جویی آن‌ها، باعث گشته تا در برخورد با فرهنگ اسلامی دچار لغزش‌های متعددی شده و نیز به دلیل نحوه‌ی گزینش موضوعات پژوهش‌هایشان همواره از ناحیه‌ی مسلمانان، با دیده‌ی تردید و انکار نگریسته می‌شدند. در مجموع باید گفت هر پژوهشی پیرامون شرق‌شناسی بدون توجه جدی به خاورشناسی آلمان ناقص است و به قول ادوارد سعید قابل سرزنش است (سعید، ۱۳۷۷: ۴۲). از برجسته‌ترین قرآن‌پژوهان مدرسه‌ی آلمانی می‌توان تئودور نولدکه، گوستاو ویل، گریم، پریتل، شوالی، اسپرنگر، برگستراسر، ولرس، کارل بروکمان^۱ و... را نام برد (صادقی، ۱۳۷۹: ۷۰ و ۷۱). نکته‌ی دیگر این‌که اگر پدر خاورشناسی به مدرسه‌ی خاورشناسی فرانسه تعلق دارد، پیر خاورشناسی یا شیخ‌المستشرقین را باید در مدرسه‌ی خاورشناسی آلمان جستجو نمود و آن هم کسی جز تئودور نولدکه نیست.

بسیاری از خاورشناسان و محققان زبان‌شناسی آلمانی در جنگ جهانی دوم به مناصب دولتی غیرعلمی و غیر دانشگاهی گماشته شدند (برت. گ، ۱۳۷۰: ۴۵-۴۶) که دلیلی بر حاشیه‌ای بودن مطالعات شرقی در این سرزمین است. بدین ترتیب کسی که امروزه در سرزمین‌ها و کشورهای آلمانی‌زبان خود را شرق‌شناس بنامد، منظورش این است که در زبان‌های غیراروپایی به‌خصوص زبان‌های آسیا و شمال آفریقا تحقیق و مطالعه می‌کند. اسلام‌شناسی به‌عنوان یک رشته مطالعاتی منظم از بطن شرق‌شناسی سربرمی‌آورد، اما آشکارا عناصری از زبان‌شناسی و سایر موضوعات و روش‌ها را در خود فراهم داشت. (همان: ۲۷)

نگاهی مختصر به زندگی نولدکه

تئودور نولدکه^۲ (تئودور نولدکه) (الزکلی، ۱۹۹۲: ۵۵) با لقب بزرگ خاورشناسان آلمان و متخصص در زبان‌های عربی، فارسی و سریانی (انوری، ۱۳۸۷: ۲۲۱۳) در دوم مارس سال ۱۸۳۶ م. در شهر هاربورگ از توابع هامبورگ آلمان به دنیا آمد. البته وی با زبان‌های یونانی، لاتین، فرانسوی، انگلیسی، ایتالیایی و اسپانیایی نیز آشنایی داشت. (الزکلی، ۱۹۹۲: ۹۶) سپس در شهر

1. Gustav Weil, Grimm, pretzel, Shawwal, Sprenger, Brgshtrsr, Vlrs, Carl Brvkman

2. Theodore Nöldeke

لینگن، زیر نظر پدرش که مدیر دبیرستان بود، تحصیلات مقدماتی اش را تا کسب آمادگی جهت ورود به دانشگاه ادامه داد. در همین دوران دبیرستان به مطالعه زبان عبری پرداخت و در دانشگاه گوتینگن زبان‌های عبری، عربی، سریانی، آرامی، فارسی و ترکی و سانسکریت را فرا گرفت. (رحیمی ریشه، بی تا: ۲) تنها دلیلی که نولدکه برای ورود به عرصه‌ی خاورشناسی داشت به گفته‌ی خودش این بود که «رشته‌ی مطالعات یونانی دیر زمانی است که به شکل فراگیر و همه‌جانبه مورد مطالعه قرار گرفته و مجاللی برای کشف تازه‌ها در این رشته وجود ندارد، ولی زبان‌های سامی هم - چنان بکر است و به‌سادگی می‌توان به کشفیات جدیدی در آن دست یافت». (بدوی، ۱۳۷۷: ۶۵۷)

در واقع می‌توان گفت راهنمایی‌های استادش «هاینریش اوالد»^۱، کارشناس زبان‌های سامی و دوست پدرش نیز بی‌تأثیر نبود تا نولدکه به مطالعات شرقی روی آورد (بدوی، ۱۳۷۷: ۶۵۷). نولدکه در ۱۸۵۶ م. در سن بیست سالگی دکترای نخست خود را با عنوان رساله‌ای درباره‌ی تاریخ قرآن دریافت داشت (همان، ۶۵۷). وی پس از دریافت دکترا، به مسافرت‌هایی به خارج آلمان پرداخت. دلیل این مسافرت نولدکه آشنایی پیدا کردنش با خاورشناسان مشهوری بود که موجب آگاهی وی به دست‌نوشته‌های خطی گران‌بهای عربی شد، همین امر موجب شد آثار گران‌بهایی از خود برجای بگذارد (رضوان، ۱۴۱۳: ۱۸۵). نولدکه در حین بررسی دست‌نوشته‌های کتابخانه‌ی وین و لیدن هلند، با مستشرقان مشهوری هم‌چون یونبول، دوزی، ماتیس دفریس و کوئن^۲ و نیز خاورشناسان جوانی چون دخویه، دیونگ و انگلمن^۳ آشنا شد. سپس به بررسی مخطوطات عربی در گوتای آلمان پرداخت. سفر به ایتالیا، لیدن، وین و انگلیس تنها سفرهایی است که نولدکه به خارج از آلمان داشت. با وجود آن‌که تخصص او به زبان، ادبیات، تاریخ و جغرافیای جهان عرب و خاورمیانه مربوط می‌شد در طول زندگی اش به هیچ‌یک از کشورهای اسلامی سفر نکرد. (بدوی، ۱۳۷۷: ۶۵۸)

نولدکه همچنین به مطالعه‌ی زبان نیاندایی و لهجه‌ی آسوری که هنوز در اطراف دریاچه‌ی ارومیه به آن تکلم می‌شود، پرداخت. تعیین وی در سال ۱۸۶۴ م. به‌عنوان استاد زبان‌های سامی دانشگاه

1. Heinrich Ewald

2. Yvnbvl, embroidered, Matisse Dfrys, Kevin

3. Dkhvyh, Dong, Anglmm

کیل، انگیزه‌ای قوی برای کار جدی در زمینه‌ی زبان‌های سامی شد. اگرچه این امر وی را هیچ‌گاه از ادامه مطالعاتش درباره‌ی عهد قدیم، کتاب مقدس و نگارش مقالاتی در این خصوص، باز نداشت. در سال ۱۸۷۲ م. به سمت استادی دانشگاه استراسبورگ در مرکز ایالت آلزاس که در این زمان پس از جنگ ضمیمه خاک آلمان شده بود برگزیده شد و تا سال ۱۹۲۰ م. در این دانشگاه ماند. این دوره‌ی طولانی که بیش از پنجاه سال به طول انجامید، دوره‌ی جا افتادگی و شهرت وی در زمینه‌ی خاورشناسی بود. نولدکه در بهار ۱۹۲۰ م. به شهر کارلسروهه^۱ منزل پسرش نقل مکان کرد و در این جا ده سال آخر زندگی‌اش را گذراند وی از زمان کودکی ضعیف بود و به انواع بیماری‌ها دچار می‌شد، با این حال ۹۴ سال عمر کرد تا این‌که در ۲۵ دسامبر سال ۱۹۳۰ م. درگذشت. (همان، ۶۵۹-۶۰)

زمینه‌های پیدایش تفکرات شرق‌شناسی تئودور نولدکه

تحولات اروپا، بعد از رنسانس سلطه‌ی کلیسا را از بین برد و به تبع آن الهیات مسیحی مورد مناقشه قرار گرفت و این منجر به پیدایش فرقه‌ی پروتستان شد. متألهان پروتستان همچنین تلاش کردند با رویکردی تاریخ محور، لایه‌های کتاب مقدس را بدون تعصب دینی و با روش‌های علمی محض مورد نقادی قرار دهند. این دست پژوهش‌ها به تدریج سایر کتب آسمانی نظیر قرآن را نیز در بر- گرفت و دانشمندان غربی را به بررسی وقایع تاریخی مربوط به پیدایش و سیر وقایع قرآن کریم علاقه‌مند کرد، در شمار مطالعاتی با این رویکرد، نام نولدکه‌ی آلمانی می‌درخشد. (پارسا، ۱۳۹۰: ۷۱ و ۷۲)

نولدکه از منظر ایده آلیستی به تاریخ می‌نگریست. نگاهش متناسب به اصالت نظر و اندیشه در فرآیند تحول تاریخی بود. برخلاف مارکسیست‌ها وی بیشتر زیر بنا را فرهنگی می‌دانست. نولدکه برحسب دیدگاه ایدئالیستی خود به روابط بین‌الملل نگرشی خوش بینانه داشت و به همکاری دولت‌ها در حفظ صلح و امنیت بین‌المللی تأکید داشت. وی با افکار نژادپرستانه‌ی نازی‌ها و جنگ همواره مخالف داشت.

نولدکه همواره سعی‌اش بر این بود که احساسات و عواطف معنوی خود را در تحقیقات علمی مدخلیت ندهد و احترامش بیشتر به حقیقت است. البته دیدگاه‌های نولدکه، به دلیل علاقه‌اش به

یونان چالش برانگیز است، به طوری که در نظریه‌ی رایج امروزه می‌بینیم مورخ بی‌طرف وجود ندارد، لذا می‌توان در بی‌طرفی کامل وی تردید کرد. در زمینه‌ی قرآن هم بیشتر نگاهش متوجه فقه-اللغه و جریان تکوینی است. یعنی به بررسی واژه‌ها، پدیدار شدن و چگونگی تغییرات شکل نهایی واژه‌ها تأکید می‌کرد و این‌جا تحت تأثیر رمانتیسیسم آلمان سده نوزدهم بود. آثار وی برای سیاستمداران کاربردی نداشت به همین خاطر می‌توان گفت به دور از غرض‌ورزی و منافع شخصی یا سرزمینی بود. به طوری که منزوی هم می‌گوید، روش نولدکه علمی محض است. (گلدزیهر، ۱۳۵۷: ۴۱)

بررسی برخی از آثار شرق شناسانه‌ی نولدکه

تألیفات به‌جای مانده از نولدکه عبارت‌اند از:

۱- فهرست تألیفات غزالی ۲- گفتارهایی پیرامون شناخت شعر قدیم عرب ۳- گفتارهایی درباره‌ی زبان‌شناسی سامی (بدوی، ۱۹۸۴: ۴۱۷) ۴- زندگانی محمد (ص) (طباطبایی، ۱۳۷۵: ۶۲) این کتاب هرچند به نحو ایجاز و اختصار نوشته شده، ولی نولدکه با اتکا به مآخذ تاریخی، آن را به نگارش درآورده است. ۵- تاریخ ایرانیان و عرب‌ها در زمان ساسانیان (این اثر یکی از مهم‌ترین دستاوردهای شرق شناسی که حاصل کار تیمی و مشترک مستشرقان است، تصحیح تاریخ طبری به سرویراستاری خاورشناسانی چون نولدکه بود) ۶- حماسه ملی ایران ۷- اساس زبان‌شناسی ایران این کتاب در دو مجلد در استراسبورگ به چاپ رسیده است. ۸- دستور زبان عربی فصیح ۱۸۹۷ م. (بدوی، ۱۳۷۷: ۶۵۹) ۹- خمس معلقات، ترجمه و شرح (الزركلی، ۱۹۹۲: ۹۶) ۱۰- امراء غسانی از آل جفنه ۱۱- برگزیده‌ی اشعار عربی ۱۲- تاریخ روایه‌الاسکندر (شاهد اعظم، ۱۳۸۶: ۱۵۰) ۱۳- مقاله‌ای با نام قرآن رسمی با توجه به قرائت مصریان (صادقی، ۱۳۷۹: ۸۹) ۱۴- دستور زبان نیاندایی به سال ۱۸۷۲ م. ۱۵- در مقاله‌ای از وی با عنوان «آیا محمد (ص) معلم مسیحی داشت؟» که آن را به سال ۱۸۵۸ م. نوشت. این اثر در سال ۱۹۳۰ م. به صورت کتابی با نام آیا محمد آموزگاران مسیحی داشت به چاپ رسید (اسکندرلو، ۱۳۹۱: ۶۴). ۱۶- حدود پنجاه نامه از نامه‌های نولدکه به گولدتسیهر (گولدزیهر). (رحیمی ریشه، بی‌تا: ۱۸) ۱۷- تاریخ قرآن: وی اولین کسی است که این نوع شیوه پژوهش درباره قرآن را به کار بست و به‌خاطر همین کتاب

به دریافت جایزه آکادمی فرانسه نائل شد. ۱۸- و فهرست نگاری تألیفات امام محمدغزالی به سال ۱۸۶۰ م. (زمانی، ۱۳۵۸: ۳۰۸) توسط وی را می‌توان نام برد. مهم‌ترین آثاری که از تئودور نولدکه در دسترس بود به شرح زیر است:

زندگانی محمد (ص)^۱

شاید بتوان گفت دلیل تألیف آثاری از این دست، این بود که غربی‌ها دین اسلام را به نام دین محمد (ص) می‌شناختند، لذا سیره و شرح احوال آن حضرت همواره مورد توجه بود. بر «زندگانی محمد» نولدکه نقدهای زیادی شده از جمله این‌که به اعتقاد نولدکه واژه‌ای به‌عنوان صفت پیامبر، نشان نمی‌دهد که ایشان با کتاب‌های ادیان پیش از خود آشنایی نداشته و آن‌ها را نخوانده بود و در واقع امی بودن پیامبر را انکار می‌کرد. نولدکه به این نتیجه می‌رسد که امی بودن بر جهل پیامبر و ناتوانی وی بر خواندن و نوشتن دلالت نمی‌کند بلکه تنها نشان می‌دهد که وی کتب عهدین را نمی‌شناخت. (دولت‌آبادی، ۱۳۸۹: ۵۹) اما برای این ادعای خودش دلیلی نیاورده است. درحالی‌که در این دوران سواد خواندن و نوشتن در جزیره‌العرب، چنان کم بود که اگر کسی باسواد بود به آن مشهور می‌شد، و هیچ اسمی از پیامبر به‌عنوان فردی باسواد برده نشده است. در جایی دیگر نیز برای واژه‌ی «اقرء» در آغاز سوره‌ی علق با وجودی که تمام مفسران و مترجمان به قرآن خواندن گرفته‌اند وی برای نخستین بار در تاریخ آن را به معنی وعظ کن و تبلیغ کن و نه خواندن گرفت. (رامیار، ۱۳۸۴: ۱۸) در حالی‌که معنی نولدکه در هیچ کتاب و تفسیر روایی نیامده است. باید گفت مستشرقان به دلیل پیش‌فرض‌ها و مبانی اشتباه دچار خطاهای پی‌درپی می‌شدند مثلاً نفهمیدن درست واژه‌ای باعث می‌شد، نولدکه در کتاب تاریخ قرآن، مصادر خارجی برای قرآن کریم در نظر بگیرد و به اشتباه اظهار کند که پیامبر (ص) در قصص قرآنی از معارف مسیحی و یهودی که به‌صورت شفاهی به اعراب منتقل شده بود، تأثیر پذیرفته است.

تاریخ ایرانیان و اعراب در زمان ساسانیان^۱

این اثر به سال ۱۸۷۹ م. به نگارش درآمد و از جمله کتاب‌های پرارزش در مورد تاریخ ساسانیان و مهم‌ترین کتاب تحقیقی این دوره است. دلیل این امر تسلط نولدکه بر زبان‌های یونانی، لاتینی و سریانی و تطبیق این‌ها با منابع اسلامی - عربی و فارسی بود. نکته قابل توجه این کتاب دقت نظر و توجه نولدکه به تلفظ واقعی نام اشخاص و مکان‌های ایرانی بود. (نولدکه، ۱۳۵۸: مقدمه مترجم) این کتاب در اساس ترجمه‌ی بخشی از «تاریخ الرسل و الملوک»، نوشته محمد بن جریر طبری بود. از نظر نولدکه تاریخ طبری مطمئن‌ترین منبع است؛ دلیل آن التقاط مواد، مطالب فراوان و منابعی را که اختلاف داشته‌اند، تحریر و تهذیب نکرده بلکه در کنار هم آورده و این ارزش کار را بالا می‌برد.

تودور نولدکه در سعی عظیمی که دخویه و سایر همکارانش برای برگرداندن کامل کتاب طبری به آلمانی داشتند، متعهد به این بخش از کتاب شد. اما به زودی معلوم شد که به قول خود نولدکه «اجرای این قصد به اشکال برمی‌خورد و برخلاف مصلحت» بود و از طرفی به برخی حوادث با اهمیت کتاب نیز می‌بایست بیشتر پرداخته می‌شد، به قول دکتر شعبانی این جا بود که دانشمند پرتوان احساس مسئولیت تازه‌ای می‌کند. عینی اندیشی و دخیل نکردن احساسات که خاص محققان غربی است، در مورد نولدکه صدق می‌کند. این کار وی با وسواس علمی همراه است و اگر تعلق خاطر آشکار وی را به فرهنگ غربی و به‌ویژه یونانی و انتقادهای آشکارش را به فرهنگ شرقی و نیز کم‌التفاتی مشهود وی به مضامین اصیل حیات ایرانی را صرف نظر کنیم، در مجموع اثر وی شاهکار و نمونه‌ی والایی از تصحیح و تحشیه‌نویسی متن است. (شعبانی، ۱۳۶۳: ۵۰-۵۳)

نکته‌ی دیگری که نولدکه مطرح کرد یک نوع تاریخ تطبیقی بود، به اعتقاد وی یکی از دلایل سقوط ساسانیان به دلیل عوامل جغرافیایی پایان روزگار ساسانیان بود «به‌رحال عوامل طبیعی بر ضد یک دولت و ملت کارگر افتاد و موجب شد تا دگرگونی بزرگ و بنیادی در ایران زمین رخ دهد سیل و طاعون از پیش به سود عرب‌ها که به مملکت ایران تاختند و شرایط را برای شکست ساسانیان فراهم آورد». (نولدکه، ۱۳۵۸: ۵۸۳) درحالی‌که این نگرش جغرافیایی به حوادث تاریخی، امروزه به‌تازگی به‌عنوان علت‌یابی حوادث تاریخی عمیقاً مطرح شده است.

۱. تاریخ ایرانیان و عرب‌ها در زمان ساسانیان/ تألیف تودور نولدکه؛ ترجمه عباس زریآب خوئی. عنوان اصلی آن: Geschichte du

حماسه‌ی ملی ایران^۱

یکی از معروف‌ترین کارهای خاورشناسان در ادبیات ایران چنان‌که بزرگ علوی هم می‌گوید: «بحث و تحقیق پرمغزی است» که نولدکه به‌عنوان حماسه‌ی ملی ایران انجام داده است. این کتاب ابتدا با عنوان زبان‌شناسی ایران در دو جلد به سال‌های ۱۸۹۵-۱۹۰۴ م. در استراسبورگ چاپ شد. این مبحث از روزی که انتشار یافته، معتبرترین و جامع‌ترین بحث درباره‌ی حماسه‌های ملی ایران و شاهنامه‌ی فردوسی به شمار رفته و همه‌ی کسانی که در این زمینه فعالیت دارند به این اثر نظر داشته‌اند. در سال ۱۳۰۹ ش. دکتر نفیسی از بزرگ علوی خواست این رساله را از آلمانی ترجمه کند. با تعطیلی نشریه‌ی شرق که ناشر آن نفیسی بود این کار ماند تا اینکه با کمک مالی تقی‌زاده، وزیر مالیه به‌طور کامل ترجمه شد.

نولدکه معتقد بود آشنایی ایرانیان با موضوعات حماسی توسط کتاب‌های مقدسشان و نیز نوشته‌های یونان است (نولدکه، ۲۵۳۷: مقدمه مترجم) و می‌گوید، عده‌ای معتقدند که فردوسی مطالب خود را از کتب پهلوی و ذهن داستان‌سرایان گرفته اما این واقعیت ندارد، زیرا مطالب اساسی شاهنامه با منابع قدیمی عربی مطابقت دارد و فردوسی زبان پهلوی را نمی‌دانست. البته فردوسی از زبان عربی هم اطلاع چندانی نداشت و مآخذ وی کتب فارسی و ترجمه‌ی خدای‌نامه‌ی قدیم بود که به دستور ابومنصور عبدالرزاق طوسی به‌عمل آمده بود. (نولدکه، ۱۳۵۸: مقدمه مترجم) از طرفی هرچه به پایان شاهنامه نزدیک می‌شویم آن‌جا که درباره‌ی ساسانیان سخن به میان می‌آید فردوسی کوشیده تا رویدادهای تاریخی صرف ارائه دهد و از روایت‌های این بخش بکاهد. (کولسینکف، ۱۳۵۵: ۸۸)

نولدکه می‌گوید، در تطبیق تاریخ دوره‌های هخامنشی، اشکانی و ساسانی با اوستا، شاهنامه‌ی فردوسی بسیار موفق عمل کرده و نیز به خوبی از عهده‌ی تنوع مطالب برآمده است؛ به‌همین خاطر فردوسی را می‌ستاید و برای وی مقام استادی قائل می‌شود که دقیقی به‌پای وی نمی‌رسد. وی تمام شاهنامه را عبارت از «تاریخ جامع شاهنشاهی ایران از بدو شروع تا انقراض آن به دست عرب‌ها» می‌داند (نولدکه، ۲۵۳۷: ۸۸). اما به‌طور کلی از نظر نولدکه، شاهنامه تحریف‌شده و نیز انتقاد متن آن کار مشکلی است و آن را نتیجه‌ی تکامل تدریجی روایات ملی فارسی می‌داند. از طرفی وی می‌گوید: «علت عمده‌ای که مانع از قدردانی از شاهنامه است حجم بزرگ آن است، اصولاً

خوب است که قسمت‌های این کتاب هر کدام علی‌حده خوانده شود، و به‌طور یقین مشرق‌زمینی‌ها خودشان نیز این کتاب را همین‌طور خوانده‌اند و نظر شاعر نیز چنین بوده است» (همان، ۱۴۰). این سخن وی در واقع پایه و اساس منطقی و آکادمیکی ندارد، و از سوی یک دانشمند خاورشناس دور از ذهن است و موجب نقدهایی بر آن شده است. می‌توان گفت حجم بالای شاهنامه، عظمت و بزرگی کار فردوسی را نشان می‌دهد. البته نولدکه در جایی دیگر در توجیه این سخنش می‌گوید، با پرداختن به جنبه مثبت شاهنامه حجم بزرگ آن را مانع از تفسیر آن (همان، ۱۶۵) و موجب عدم انتقاد بر آن کرده و به ما فرصت شناخت خصایص شاعر را می‌دهد. (همان، ۱۶۴) هم چنین وی در بخش مربوط به تدوین شاهنامه، دقتی را گرفتار فساد اخلاقی می‌داند که پیش از او هم در ایران رواج داشته و اهل ذوق را به آن متهم می‌کند و حتی دقتی را کشته شده به دست غلامی ترک که معشوقش بوده، می‌داند. (همان، ۴۷) اما روشن نمی‌کند که منبع او در این-باره چیست و اصولاً آوردن این مطالب چه اهمیتی در اصل موضوع دارد و نیز این طبقه جامعه که ادبا بودند را از نظر اخلاقی زیر سؤال می‌برد.

تاریخ قرآن^۱

تاریخ قرآن نولدکه به سال ۱۸۶۰ م. تألیف شد و مهم‌ترین و دوران‌سازترین، پژوهش خاورشناسی درباره‌ی قرآن و مطالعات قرآنی شد. (نولدکه، ۲۰۰۴: x1) همه‌ی قرآن‌پژوهان غربی و بیشتر قرآن‌پژوهان شرق در پژوهش‌های خود تحت تأثیر این کتاب بودند. گفته می‌شود که اصطلاح «تاریخ قرآن» نخستین بار از سوی نولدکه به کار رفته و این امر، ناشی از نگرش خاورشناسان به متن قرآن است (مهدوی راد، ۱۳۷۹: ۲۳۲). وی به دلیل کهنولت سن از شوالی خواست که ساختار جلد اول از این کتاب را بازنویسی کند، اما وفات شوالی مانع از این شد. در واقع، از آغاز تحریر نخست تاریخ قرآن تا شکل‌گیری نهایی آن ۸۰ سال (کریمی نیا، ۱۳۵۸: ۸۳) و سه نسل از علمای پژوهشگر قرآنی آلمان سپری گردید، تا این اثر پدید آید.

این کتاب، متن قرآن را به‌عنوان سندی از اسناد تاریخ انسانی قرار داده و سپس به مبحث جمع کردن قرآن و تعداد قراء می‌پردازد. اثر وی در سه جزء است، جزء اول درباره‌ی منشأ و خاستگاه قرآن است و به آیات و سوره‌های قرآنی از لحاظ لغت می‌پردازد. طولانی‌ترین سوره‌ها مربوط به

این دوره است، هم‌چنین کلمه‌ی الرحمن برای نخستین بار در این سوره‌ها ذکر شده و شامل ۲۱ سوره است. (ر.ک تاریخ القرآن نولدکه) نولدکه معتقد است، چون از دوران ماقبل اسلام در قسمت جنوبی و مرکزی عربستان «الرحمن» درباره‌ی خدا به کار می‌رفته، لذا در این سوره‌ها نیز فراوان استعمال شده است. اما در واقع هیچ ملازمه‌ای میان کاربرد زیاد این واژه و اثبات مکی بودنش و وجود ندارد، بقول اسکندرلو، عقل هرگز نمی‌پذیرد که صرفاً به دلیل کثرت کاربرد یک واژه در سوره‌ای بتوانیم دوره‌ی نزول آن را معین نماییم. (اسکندرلو، ۱۳۸۷: ۹۱) اما وجه غالب در سور مکی، در این است که کلمه‌ی الرحمن در آن‌ها ذکر نشده است و ۲۱ سوره را در بر می‌گیرند. (نولدکه، ۲۰۰۴، مقدمه مترجم) بخش بعدی کتاب به سوره‌های مدنی و خصوصیات آن‌ها اختصاص دارد. در این سوره‌ها بیشتر قواعد فقهی و تشریحی آمده است و سجع کمتری در آن‌ها به چشم می‌خورد. برخلاف سوره‌های مکی که در آن‌ها «یا ای‌ها الناس» آمده است در این سوره‌ها آیات با «یا ایها الذین آمنوا» شروع شده است. (ر.ک به تاریخ القرآن نولدکه) در جزء دوم به مسئله‌ی جمع کردن قرآن بر اساس روایات می‌پردازد و آن‌ها را با دقت در مقایسه با دیگر روایات قرار می‌دهد. در جزء سوم اثرش به تاریخ متن قرآن می‌پردازد و مهم‌ترین خصوصیات نگارش مصحف عثمان را بررسی و آن را در مقایسه با سایر قرائات غیرعثمانی قرار می‌دهد و به‌صورت مفصل به قرائت و مشهورترین قاریان و مهم‌ترین منابع می‌پردازد. در پایان کتابش به مهم‌ترین نسخه‌های خطی قرآن که آن زمان نزد پژوهشگران معروف بوده است می‌پردازد. (همان)

مؤلف در تألیف این کتاب عمدتاً به سه گروه از منابع تکیه داشته است: ۱- آثار یهودی- مسیحی قدیم مانند انجیل‌های اربعه، ۲- آثار مستشرقان در تألیف این کتاب از تحقیقات شمار کثیری از اسلام‌شناسان مستشرق از جمله آگوست فیشر، گوستاو فلوگل، دخویه، گولدتسیهر، هامرپور-گشتال، هیرشفلد، هانری لامنس، الویس اشپرنگر، گوستاو وایل، یولیوس ولهاوزن^۱ استفاده شده است ۳- منابع اسلامی: نولدکه نزدیک به هفتاد درصد از منابع اهل سنت استفاده کرده و بیش از همه از طبری، ابن هشام، سیوطی، بخاری، صحیح مسلم و... بیش‌ترین بهره را برد. در میان آثار شیعه نیز، از دست‌نویس تفسیر علی بن ابراهیم قمی، تفسیر امام محمدباقر، الصافی فی التفسیر القرآن فیض کاشانی نیز استفاده کرده است. (رحیمی ریشه، بی‌تا: ۲۸)

1. August Fischer, Gustav Flugel, Dkhvyh, Gvldtsyhr, Hamrpvrghstal, Hirschfeld, Henry Lamns, Elvis Sprenger, Gustav Weil, Julius Wellhausen

اما با توجه به مطالب این کتاب، نولدکه کوشیده تا ثابت کند که پیامبر اسلام بسیار داناتر و باسوادتر از آن بوده که مسلمانان می‌پندارند و بر تمام اسفار عهد قدیم و جدید و ادیان جزیره و ایران و جهان احاطه داشته و از آن‌ها الهام گرفته است. درجایی دیگر نیز آیات مکی و مدنی را مبتنی بر نیازهای شخصی، اجتماعی، سیاسی پیامبر دانسته و در نهایت قرآن را توجیه‌کننده‌ی زندگی پیامبر می‌داند. اما همان‌طور که پیش از این هم اشاره شد این ادعا کاملاً رد شده و امی بودن پیامبر یک مشخصه بارز وی بود و در سرزمین کوچک عربستان این حد توانایی و سواد قطعاً نباید تا زمان پیامبری‌اش مخفی می‌شد و درجایی باید خود را بروز می‌داد. به همین خاطر الدسوقی می‌گوید «این اثر فریبنده‌ترین تألیف آکادمیک شرق‌شناسی نوین است که در ویرانگری و ایجاد تردید و تزلزل در آسمانی بودن قرآن و زدن ریشه‌ی اسلام بی‌مانند است». (الدسوقی، ۱۳۷۶: ۳۹-۴۰)

البته الدسوقی نیز در این جمله تا حد زیادی راه افراط پیش‌گرفته، زیرا نولدکه خود در ادامه می‌گوید مسلمانان باید خوشحال باشند زیرا که این فضیلتی برای پیامبرشان است که من برشمردم. مشخص است وی به‌خوبی درک نکرده بود که امی بودن پیامبر به چه دلیل اهمیت دارد و تصور می‌کرد برشمردن این فضایل برای پیامبر موجب خشنودی هم می‌شود، که حاکی از بی‌غرضی وی است.

نقد شعر عربی^۱

عبدالرحمان بدوی در کتابش با نام «دراسات حول الشعر الجاهلی»، به این اثر نولدکه در کتابش تحت عنوان «من تاریخ و نقد الشعر العربی القديم» به نولدکه به‌عنوان یکی از کسانی که به شعر عربی پرداخته‌اند اشاره کرده و ترجمه قسمتی از اثر وی را در اینجا آورده است. (بدوی، ۱۹۸۶: ۱۷-۴۰)

نولدکه در این اثرش به بررسی صحت شعر جاهلی با توجه به آن چه در کتب مهم عربی هم چون مفضلیات، اغانی و... مطرح گشته می‌پردازد. از مسائل مهمی که در این کتاب دیده می‌شود، اعتقاد نولدکه به این‌که وجه تسمیه‌ی معلقات را به این دلیل که اشعار جاهلی بر پرده‌ی کعبه آویزان است را تکذیب می‌کند. وی هم‌چنین با اشاره به آیات قرآن کریم که در مورد شعر است، پذیرش یا عدم پذیرش شعر از جانب خداوند و رسول‌الله را مطرح می‌کند و به آغاز و پیدایش شعر

عربی اشاره می‌کند و مسئله‌ی صحت شعر جاهلی را از زبان بروینلش مورد بررسی قرار می‌دهد. از میان شاعران جاهلی نیز به تحلیل شعر شاعری، به نام الحطینه می‌پردازد. (همان)

نولده که همانند سایر خاورشناسان که در پی شکستن باور گذشتگان درباره این‌که زبان فصیح رایج شعر در عصر جاهلیت زبان قریشی بود. وی معتقد است که لهجه‌ی فصیح عربی امروزی، ترکیبی از لهجه‌ی حجاز و نجد و اقلیم فرات است. تفسیر نولده که در این زمینه، به قول ضیف، تفسیر عام است می‌توان گفت وی در تفسیر بسیار دقیق بود، به طوری که در مورد هر تفسیری دقت خاصی داشت. با بررسی علل فرعی به نتیجه کلی می‌رسید و این دقت بالای وی را نشان می‌دهد (ضیف، ۱۹۷۲: ۴۹).

نامه‌ها

ایگناز گلدزیهر معروف به همکاری با اساتید و خاورشناسان معاصرش بود. به طوری که در یکی از نامه‌هایش به دانشجویانش می‌گوید: «اگر می‌خواهی در زندگی ات موفق باشی دو چیز از تو انتظار دارم، هر نامه‌ای که به دستت رسید را جواب بده حتی اگر جوابت منفی باشد و دیگر این‌که در کنگره‌ی شرق‌شناسان شرکت کن زیرا این به اندازه‌ی کار تحقیقاتی ارزش دارد». این ویژگی شخصیتی گلدزیهر موجب شد تا به تنوع نولده که هم نامه‌هایی بنویسد. نولده که در این زمان که به یکی از معروف‌ترین چهره‌های لغت‌شناسی تبدیل شده بود (Simon, 1986: p159-161) تحت تأثیر نامه‌های گلدزیهر بود که به مطالعات اسلامی علاقه‌مند شد. (یادداشت‌های نگارنده از نشست پژوهشکده تاریخ اسلام: ۹۴/۱۰/۱۲) به طوری که رابرت سیمون هم می‌گوید، دلیل اهمیت مکاتبات گلدزیهر و نولده که در این است که از طرفی گلدزیهر به‌عنوان یکی از برجسته‌ترین چهره‌های اسلام‌شناسی مطرح بود و نیز به خاطر این‌که این دو مستشرق جهان‌بینی منسجم و ثابتی داشتند که در محققان بعد از آن‌ها کمتر پیدا می‌شد. (Simon, 1986: p159-161)

در اکتبر و نوامبر ۱۹۳۲ م. «آکادمیا ارتسیتو»^۱، در نشریه دانشگاهی دانشکده علوم مجارستان، اعلام کرد که کارولی پسر ایگناز گلدزیهر مجموعه‌ی عظیمی از نامه‌های دست‌نویس پدرش را به دانشگاه بخشید. در میان نامه‌ها، ۲۱۷ نامه‌ی گلدزیهر به نولده که با وساطت اورل استاین از دانشگاه توپینگن برای کپی گرفتن به امانت گرفته شد. در همان زمان ۲۸۷ نامه‌ی نولده که به

گلدزبهر نیز کیی گرفته شد و به مجموعه‌ی قبلی اضافه شد. (همان) این نامه‌ها نشان‌دهنده‌ی حقایق علمی، کارهای انسانی گسترده‌ی این دو دانشمند بود، که این ویژگی در کارهای چاپی آن‌ها خیلی به چشم نمی‌آید. از سوی دیگر نامه‌های رد و بدل شده بین این دو مستشرق نشان‌دهنده‌ی ایدئولوژی و ارزش‌های موجود بین این دو است. (همان)

نتیجه‌گیری

با توجه به کلیه‌ی مباحث می‌توان نتیجه گرفت که با فاصله گرفتن تدریجی مغرب زمین، از قرون وسطی، اسلام‌شناسی غربیان با پژوهشگری بیشتری قرین شد و به مرور زمان شرق‌شناسان نامداری را پدید آورد، که با کشیشان و مورخان زودباور گذشته تفاوت داشتند. به‌راستی می‌توان گفت نولدکه در ردیف هیچ‌کدام از مورخان مغرض و استعمارگرا و جاه‌طلب قرار نمی‌گیرد و شخصی بود که به دنبال علم و حقیقت بود. روند بی‌طرفانه و علمی وی در بررسی‌های آثارش در قبال مسائل اسلام و قرآن را به‌وضوح می‌توان دید. با نگاه به تفکرات نولدکه شاهد این امر هستیم که آگاهی‌های وی، بسیار بیشتر از سایر شرق‌شناسان پیشین خود است و رویکرد مغرضانه‌ی شرق‌شناسی در وی به رویکرد روش‌مند و منصفانه‌تری تغییر یافته است. اما برخی از آثار وی از جمله تاریخ القرآن، که از آنجایی که او مسلمان نیست برخی مسائل که محققان مسلمان به دلیل اعتقاد اساساً به آن وارد نمی‌شوند را مورد بحث قرار داد و از طرف دیگر به دلیل این‌که او خارج از حوزه اسلام بوده برخی سوءتفاهامات برایش به وجود می‌آمد. و نیز در آثاری چون «حماسه ملی ایرانیان» به دلیل عدم آشنایی با فرهنگ ایرانی، سخنی شگفت‌پیرامون اثر حکیم توس بیان می‌کند و آن این‌که علت عدم قدردانی از شاهنامه حجم بزرگ آن است که همان‌طور که اشاره شد، این سخن وی پایه و اساس منطقی ندارد.

اما اگر از این اشتباهات معدود نولدکه صرف نظر کنیم، در بررسی کلی آثارش متوجه این حقیقت می‌شویم که او همواره مقام علم را بالاتر از عواطف شخصی خود می‌دانست و به هنگام داوری میان مسلمان و یهودی و مسیحی سعی بر آن داشت که جانب حق را بگیرد. در کتاب تاریخ ایرانیان و عرب‌ها در زمان ساسانیان وی چنان دقیق بوده که امروزه تنها کتاب کریستین سن با آن می‌تواند برابری کند. دلیل این امر هم در تسلط بالای نولدکه بر زبان‌های شرقی و روش فقه‌اللغهی دقیقی که در بررسی واژگان نموده است می‌باشد. اما در حقیقت این امر را نمی‌توان نادیده گرفت

که اغلب مستشرقان و از جمله نولدکه به اعتراف خود وی، یونان باستان را مبنای هویت خود ابراز می‌داشتند و لذا می‌توان گفت نه نولدکه و نه هیچ مستشرق دیگری بدون پیش‌فرض نیست.

کتابنامه

- اس ترنر، برایان، (۱۳۸۴). رویکردی جامعه‌شناختی به شرق‌شناسی پست مدرنیسم و جهانی شدن، ترجمه محمدعلی محمدی، تهران: نشر یادآوران.
- اسکندرلو، محمدجواد، حیدر پاسبانگ، (پاییز و زمستان ۱۳۹۱). «بررسی دیدگاه مستشرقان در مورد سیره و تاریخ‌نگاری با رویکرد قرآنی»، دو فصلنامه علمی- ترویجی قرآن‌پژوهی خاورشناسان، س ۷، ش ۱۳.
- اسکندرلو، محمدجواد، (۱۳۷۸). مستشرقان و تاریخ‌گذاری قرآن، ویراستار: سید محمدحسن جواهری، قم: نشر پژوهش‌های تفسیر و علوم قرآن.
- اعظم‌شاهد، رئیس، (۱۳۸۶). اعجاز قرآن از دیدگاه مستشرقین، تهران: نشر مرکز جهانی علوم اسلامی.
- الویری، محسن، (۱۳۸۱). مطالعات اسلامی در غرب، تهران: سمت.
- الیگودرزی، فاطمه، (۱۳۸۱). «روند شرق‌شناسی و توجه مستشرقین آلمانی به ایران». مجموعه مقالات اولین همایش اسناد و تاریخ معاصر، ج ۳، تهران، مرکز بررسی اسناد تاریخی، امیرخانی فراهانی، فاطمه، (۱۳۹۳). اسلام‌شناسی و اسلام‌شناسان از شناخت تا تعامل، تهران: نشر الهدی.
- انوری، حسن و دیگران، (۱۳۸۷). فرهنگ اعلام سخن، تهران: نشر سخن.
- بدوی، عبدالرحمان، (۱۹۸۴). موسوعه‌المستشرقین، بیروت: دارالعلم للملایین.
- بدوی، عبدالرحمان، (۱۳۷۷). دائرةالمعارف مستشرقان، ترجمه صالح طباطبایی، تهران: نشر روزنه.
- بدوی، عبدالرحمن، (۱۹۸۶). دراسات‌المستشرقین حول صحه الشعراالجاهلی، بیروت: دارالعلم للملایین.
- براون، ادوارد، (۱۳۶۹). تاریخ ادبیات ایران از صفویه تا عصر حاضر، ترجمه بهرام مقدادی، تحشیه و تعلیق ضیاءالدین سجادی و عبدالحسین نوایی، تهران: نشر مروارید.

- بلاشر، رژی، (۱۳۷۲). درآمدی بر قرآن، مترجم اسدالله مبشری، تهران: نشر ارغنون.
- پارسا، فروغ، (۱۳۹۰). خاورشناسان و جمع و تدوین قرآن کریم، ویراستار علیرضا پلاسید، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- جوانمردی، فوزیه (۹۴/۱۰/۱۲). نشست با موضوع «اسلام‌شناسی در سایه شرق‌شناسی» با سخنرانی گورگ اشتاوت، پروفیسور اسلام‌شناس آلمانی، تهران، پژوهشکده تاریخ اسلام. حسینی طباطبایی، مصطفی، (۱۳۷۵). نقد آثار خاورشناسان، تهران: انتشارات چاپخش.
- الدسوقی، محمد، (۱۳۷۶). سیر تاریخی و ارزیابی اندیشه شرق‌شناسی، ترجمه محمودرضا افتخارزاده، تهران: نشر هزاران.
- دولت‌آبادی، معصومه، (پاییز و زمستان ۱۳۸۹). «مفهوم امی بودن پیامبر (ص) و ادعای مستشرقان»، دو فصلنامه علمی و ترویجی قرآن‌پژوهی خاورشناسان (قرآن و مستشرقان)، مرکز تحقیقات قرآن کریم المهدی، س ۵، ش ۹.
- دهخدا، علی‌اکبر، (۱۳۴۱). لغت‌نامه، زیر نظر محمد معین، تهران: نشر دانشگاه تهران.
- دهخدا، علی‌اکبر، (۱۳۷۳). لغت‌نامه، زیر نظر دکتر محمد معین و سید جعفر شهیدی. ج ۶، تهران: موسسه لغت‌نامه دهخدا.
- رامیار، محمود، (۱۳۸۴). تاریخ قرآن، چ ۶، تهران: امیرکبیر.
- رحیمی ریس، احمدرضا، (۱۳۸۲). «تاریخ قرآن نولدکه - شوالی»، معرفی، بررسی و نقد منابع، نشریه سفینه، ش ۱.
- رضوان، عمر بن ابراهیم، (۱۴۱۳). آراء المستشرقین حول القرآن‌الکریم و تفسیره، الرياض: دار طیبه.
- الزركلی، خیرالدین، (۱۹۹۲). الاعلام قاموس تراجم، جزء التامن، بیروت: دارالعلم للملایین.
- زمانی، محمدحسن، (۱۳۵۸). شرق‌شناسی و اسلام‌شناسانی غربیان (تاریخچه، اهداف، مکاتب و گستره فعالیت مستشرقان)، قم: موسسه بوستان کتاب، حوزه علمیه قم.
- زمانی، محمدحسن، (۱۳۵۸). مستشرقان و قرآن نقد و بررسی آراء مستشرقان درباره قرآن، قم: موسسه بوستان کتاب.
- زنجانی، ابوعبدالله، (بی‌تا). تاریخ جامع قرآن کریم، ترجمه حسام فاطمی، تهران: افشار.

سعید، ادوارد، (۱۳۷۷). شرق‌شناسی، ترجمه: عبدالرحیم گواهی، ج ۲، تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی.

شریفی، علی، (۱۳۷۸). بررسی و نقد دیدگاه‌های مستشرقان درباره‌ی نسخ قرآن کریم، رشت: نشر کتاب مبین.

شعبانی، رضا، (مرداد و شهریور ۱۳۶۳). «نقد و معرفی کتاب تاریخ ایرانیان و عرب‌ها در زمان ساسانیان»، نشریه دانش، نشریه مرکز دانشگاهی، س ۴، ش ۵.

صادقی، تقی، (۱۳۷۹). رویکرد خاورشناسان به قرآن، تهران: نشر فرهنگ گستر.

ضیف، شوقی، (۱۹۷۲). البحث الادبی (طبیعت، مناهجه، اصوله، مصادره)، الطبعة السابعة، القاهرة: نشر دارالمعارف.

عمایره، اسماعیل احمد، (۱۹۹۲). الظاهره الاستشراقیه المستشرقون و تاریخ ملتهم بالعربیه، بحث فی الجذور الظاهره الاستشراقیه، عمان، دارحسین.

فراگنر، برت گ.، ایران‌شناسی در کشورهای آلمانی‌زبان (۱) و (۲)، ترجمه مرتضی اسعدی، نشریه دانش، س ۱۱، ش ۶۷، آذر و دی ماه ۱۳۷۰.

کریمی نیا، مرتضی، (۱۳۸۵). «قرآن‌های موجود پیش از مصحف عثمان (پدیدآورنده تئودور نولدکه، فریدریش شوالی)»، فصلنامه علوم قرآن و حدیث: ترجمان وحی، ش ۱۹.

کولسینکف، آ. ای، (۱۳۵۵). ایران در آستانه‌ی یورش تازیان، ترجمه: م. ریحیایی، تهران: نشر آگاه.

گلدزیهر، ایگناس، (۱۳۵۷). درس‌هایی درباره اسلام، ترجمه علینقی منزوی، ج ۱، تهران: نشر کمانگیر.

مطهری نیا، محمود، (۱۳۸۹). مستشرقان و نبی اعظم (ص) نقد و بررسی آرای پنج تن از مستشرقان درباره سیره نبوی و شخصیت و تاریخ پیامبر اعظم، تهران: نشر پژوهشگاه فرهنگ هنر و ارتباطات.

معلوف، لویس و دیگران، (۱۳۹۰). المنجد فی اللغه و الاعلام، تهران: نشر خرسندی.

مهدوی راد، محمدعلی، (۱۳۷۹). سیر نگارش‌های علوم قرآنی، تهران: موسسه‌ی نمایشگاه‌های فرهنگی ایران، دبیرخانه‌ی نمایشگاه قرآن کریم.

نولدکه، تنودور، (۲۵۳۷). حماسه‌ی ملی ایران، ترجمه بزرگ علوی، با مقدمه سعید نفیسی، ج ۳، تهران: نشر سپهر.

----- (۱۳۵۸). تاریخ ایرانیان و عرب‌ها در زمان ساسانیان، ترجمه عباس زریاب، تهران: نشر انجمن آثار ملی.

----- (۲۰۰۴). تاریخ القرآن، تعدیل: فردیش شفالی، مترجم: د. جرج تأمر، بیروت، الطبعة الاولى.

hombly.AS. (1989) *Oxford Advanced learners dictionary*. Fourth edition oxford university press.

Simon, Robert, (1986). *Ignac Goldziher his life and scholarship as reflected his works and correspondence*, E.j. brill- Liden, 1986.

Guralnikmm, David, (1986). *WEBSTERS NEW WORLD DICTIONARY of the American language*, editorichief.

